

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۵۴ ضمیمه

دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۳، ۲۸ آپریل ۲۰۱۴

انترناسیونال هفته گذشته بیانیه حزب کمونیست کارگری درباره تخریب محیط زیست در ایران منتشر شد، اهمیت و ضرورت انتشار این بیانیه چه بوده است؟

کاظم نیکخواه، واقعیت تاسف بار و خطرناکی که جلوی چشم همه بشریت دارد اتفاق می افتد، اهمیت و ضرورت این بیانیه را هم توضیح میدهد. تخریب محیط زیست آنچنان ابعاد خطرناکی به خود گرفته که دیگر خط قرمزها را رد کرده است و همه از بحران و فاجعه محیط زیست صحبت میکنند. من فکر میکنم ما میبایست خیلی وقت پیش چنین بیانیه ای را میدادیم و علیه این روند فاجعه بار فعالانه نیرو بسیج میکردیم. سنتا مساله محیط زیست در میان سیاسيون و حتی مردم عادی بعنوان يك امر لوکس و غیر سیاسی تلقی میشده است. اما امروز از همه جای جهان دارد هشدارها شنیده میشود. اخیرا حتی سازمان ملل در گزارش خود هشدار داد که مساله تخریب محیط زیست در سطح جهان به نقطه غیرقابل بازگشت بسیار نزدیک شده است. در خود ایران طی همین یکی دو ساله شاهد اعتراضات و تجمعات توده ای و هشدارهای متعددی در اعتراض به خشکیدن رودخانه ها و دریاچه ها و جنگلها و بیابان زایی و آلودگی هوا و نصب دستگاههای پارازیت و امثال اینها بوده ایم. تخریب محیط زیست دیگر يك خطر بالقوه نیست. بلکه همین الان دارد هرروز از مردم قربانی میگیرد.

حقیقت مهم اینست که این روند فاجعه بار آشکارا يك مساله طبیعی نیست. بلکه همانطور که در بیانیه تاکید کرده ایم کاملا سیاسی و طبقاتی است. دولتها و صاحبان سرمایه ها و کارخانه ها مقصر اصلی هستند. حتی شاهد هستیم که بعضی دولتها و جریانات مثل جمهوریخواهان انکار میکنند و يك مشت به اصطلاح محقق اجیر شده را جلو انداخته اند که بگویند اصلا محیط زیست را خطری تهدید نمیکند! يك اقلیت مفتخور بی خاصیت و حریص بر دنیا حاکم شده و برای پیشی گرفتن در مسابقه کسب سود هیچ ابایی از قربانی کردن مردم و نابودی محیط زندگی مردم ندارد. مساله این نیست که این نابود سازی تازه شروع شده باشد. سرمایه داری همیشه مشغول قربانی کردن مردم و طبیعت و محیط زیست مردم بوده است. اما طی سالهای اخیر ابعاد این نابود سازی با رشد سرمایه داری بسیار مخرب تر و سریع تر و غیرقابل برگشت تر شده است.

در ایران هم که شاهدیم که همانطور که جمهوری اسلامی در همه زمینه های دشمنی با مردم رکورد دارد، در زمینه نابودی رودها و دریاچه ها و آب و هوا و محیط زیست و جنگلها نیز بدترین کارنامه را در میان دولتهای سرمایه داری ثبت کرده است. بنا به تحقیقات بین المللی ایران جزو اولین ۱۰ کشور تخریب کننده محیط زیست است. سال گذشته در میان آلوده ترین ده شهر اول جهان، نام ۳ شهر متعلق به

میزگرد پیرامون

بیانیه حزب کمونیست کارگری در باره تخریب محیط زیست در ایران

حمید تقوایی، کاظم نیکخواه و حسن صالحی



داشت و هم اینکه محیط زیست کمترین لطمه را ببیند و برای بهینه سازی آن هم تلاش کرد. خدماتی که اکوسیستمها در قالب آب آشامیدنی، تنظیم درجه حرارات، خاک و مواد خام و غیره به جامعه می دهند بسیار برای حیات جامعه انسانی دارای اهمیت است. طبق آمار قابل اتکا موجود اگر جوامع انسانی به ازای هر واحد به بهبود محیط زیست و اکو سیستمها کمک کنند در عوض، به ازای ۱۰۰ واحد از آن بهره می برند.

در مورد تفاوت مواضع ما در باره محیط زیست با دیگر سازمانها و جریانات موجود طبعاً می توان به موضوعات ریز و درشت فراوانی اشاره کرد. من اینجا می خواهم به دو محور اصلی بپردازم. اول اینکه ما معضلات محیط زیستی را صرفاً يك موضوع اقلیمی و طبیعی نمی دانیم بلکه آنرا يك مسئله طبقاتی قلمداد می کنیم. ما معضلات زیست محیطی دنیای امروز را ناشی از وجود مناسبات سرمایه داری می دانیم که برای سود هر چه بیشتر، طبیعت و محیط زیست را به آتش می کشد و آنرا نابود می کند. شما اگر ریشه را درست تشخیص ندهی به کجراه می روی. یا خواهان تغییر و اصلاحات جزئی می شوی و یا با انکار نقش مناسبات سودپرستانه سرمایه

حسن صالحی، مبنای برخورد ما در باره محیط زیست تا مین يك محیط زیست ایمن و سالم برای همگان است. وقتی که از روند تخریب محیط زیست حرف می زنیم این فقط به معنای انقراض گونه های گیاهی و جانوری و نابودی اکو سیستم ها نیست بلکه داریم از این حرف می زنیم که زندگی انسانها و کل جامعه بشری همین امروز در خطر نابودی قرار دارد. همین امروز میلیونها مردم قربانیان مستقیم آلودگی هوا هستند که در اثر تنفس هوای آلوده و سمی به انواع و اقسام بیماریهای تنفسی، سرطان و یا مرگ دچار می شوند. در اثر خشکسالی و کم آبی این مردم هستند که کار و شغل خود را از دست می دهند، به فقر مهاجرت کشیده می شوند و زندگی آنها تلف می گردد. در اثر ریزش باران اسیدی شهروندان بیش از همه آسیب می بینند و ...

ما می خواهیم جلوی این روند مخرب را بگیریم. ما در پی ایجاد تعادل و بالانس در چرخه اکولوژیکی هستیم. با حفظ پایداری اکولوژیکی ما در پی آن هستیم که از بروز فجایع زیست محیطی و لطمه خوردن زندگی انسانها جلوگیری کنیم. ما معتقدیم می توان میان نیازهای جامعه انسانی و طبیعت سازگاری ایجاد کرد. هم می توان يك جامعه انسانی خوب و مرفه

ایران دیده میشود. یعنی سنج و یاسوج و اهواز. قطعاً تهران و شیراز و اصفهان و شهرهای بزرگ دیگر نیز دست کمی از این دو شهر ندارند. سالانه حداقل ۶۰۰ هزار هکتار از جنگلهای ایران نابود میشوند. سال گذشته آلودگی هوای اصفهان چند روز از خط قرمز عبور کرد که مدارس را تعطیل کردند و بسیاری روانه بیمارستان شدند. اهواز چند بار به این میزان رسید. در تهران هر از چند گاه آلودگی هوا به میزان هشدار میرسد. خود جمهوری اسلامی در سال گذشته مرگ قریب ۳۰۰ نفر بر اثر آلودگی هوا را اعلام کرد. قطعاً میزان واقعی مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا و دیگر آسیبهای محیط زیستی چندین برابر این رقم است. اینها گوشه کوچکی از فجایعی است که دارد به ما هشدار میدهد که دفاع از محیط زیست يك امر سیاسی است و با مبارزه سیاسی و آگاهگری و بسیج مردم در مقابل حکومت و صاحبان سرمایه میتوان جلوی نابودی بیشتر محیط زیست را گرفت و این روند را به مسیر عکس سوق داد.

انترناسیونال این بیانیه بر چه مبنایی به مسئله محیط زیست می پردازد؟ و تفاوت آن با موضع سایر احزاب و سازمانها در مورد محیط زیست در چیست؟



ISNA

PHOTO: HAMIDREZA DASTJERDI

قطع درختان و نابودی جنگلها نیز به روشنی تاثیر مخرب عملکرد غارتگرانه دار و دسته های حکومتی را میتوان ملاحظه کرد. آنچه رژیم "سیاستهای امنیتی" مینامد، یعنی در واقع سرکوب مردم و نفی آزادیهای فردی، نظیر پنخش پارازیت بر روی امواج ماهواره ای نیز از عوامل دیگر به خطر انداختن سلامتی مردم در يك مقیاس وسیع است. میتوان نمونه های دیگر هم ذکر کرد ولی فکر کنم همین اندازه برای نشان دادن این واقعیت کافی باشد که جمهوری اسلامی خود يك منبع و منشأ اصلی تخریب و آلودگی محیط زیست در ایران است. بهمین دلیل برای حل این مساله نیز علاوه بر سیاستها و راه حل هایی نظیر جانشین کردن سوخته های فسیلی با انرژی خورشیدی که کاربرد جهانی دارد، باید مشخصا بر مقابله با سیاستهای ضد محیط زیستی حکومت و تحت فشار قرار دادن آن

ایران آلودگی هوا، که در همه جای دنیا يك عارضه استفاده از سوخته های فسیلی است، اساسا بخاطر استفاده از بنزین با در صد سرب بالا و عدم هر نوع کنترل و نظارتی بر کارکرد خودروها و ماشینهای صنعتی ابعاد خطرناک و مهلکی پیدا کرده است. اگر مسمومیت هوا در بسیاری از شهرهای ایران به مرز غیر قابل تحمیلی رسیده و بیماریهای ریوی وسیعا شیوع پیدا کرده است عامل و مسئول مستقیم این فاجعه خود حکومت است.

نمونه دیگر مساله کمبود آب است. اینجا هم مساله صرفا به قحطی و خشکسالی و یا کمبود آب در سطح جهانی محدود نمیشود. کج کردن مسیر رودخانه ها برای آبرسانی به پروژه های هسته ای، و یا پروژه های متعدد سدسازی که صرفا بخاطر سود و ثروت اندوزی بیحساب و کتاب آفازاده ها و باندهای مافیائی حاکم انجام میشود، يك عامل تعیین کننده در وضعیت فاجعه بار کمبود آب در ایران است. در زمینه

چشم خود داشته باشند و دست به این کارها نزنند.

انترناسیونال: بطور مشخص نقش جمهوری اسلامی در تخریب محیط زیست چیست و تاکنون چه عوارضی داشته است؟

حمید تقوائی: مساله تخریب محیط زیست يك مساله جهانی است ولی در ایران اولاً مساله بسیار حاد تر و مبرم تر از بسیاری از کشورهای دیگر است (سه شهر ایران در لیست آلوده ترین ده شهر دنیا قرار دارند) و ثانياً مساله مستقیماً به حکومت جمهوری اسلامی و سیاستهای آن گره خورده است. همانطور که در بیانیه هم آمده در جمهوری اسلامی نه تنها ابتدائی ترین استانداردها برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست رعایت نمیشود بلکه حکومت خود عامل مستقیم تخریب و آلودگی محیط زیست در همه جوانب و به طرق مختلف است. بعنوان نمونه در

جریان مدافع محیط زیست شما بتوانید چنین بندی را پیدا کنید. محور دوم که مایلم بدان اشاره کنم به نقشی است که ما برای کنترل و بازرسی مردمی بر محیط زیست قائلیم. این موضوع کلیدی است. مردم باید آزاد باشند و حق داشته باشند که از طریق نمایندگان منتخب خود بر تاثیرات فعالیت های دولت و بنگاه های مختلف بر محیط زیست کنترل و حسابرسی داشته باشند. این در واقع تضمین محکمی است که می تواند روند تخریب محیط زیست را مهار زند. قوانین و موازین محیط زیستی که توسط نمایندگان منتخب مردم در مراجع قانون گذاری وضع می شود توسط نمایندگان همان مردم نیز در سطح عملی مورد پیگیری قرار می گیرد. اصولاً حضور شهروندان در سطوح مختلف و بویژه در امر نظارت و کنترل بر محیط زیست باعث می شود که دولت ها و یا بنگاه های خصوصی سرمایه داری عواقب زیرپا گذاشتن موازین و قوانین محیط زیستی را جلوی

داری در خلق فاجعه بار مسائل زیست محیطی به توجیه گر این شرایط تبدیل خواهی شد. از نظر ما اگر نظام تولیدی برپاشنه سود و بهره کشی نمی چرخید وضع محیط زیست به این حالت هشداردهنده و تهدید آمیز دچار نمی شد. در جامعه ای که ما برای تحقق آن مبارزه می کنیم یعنی جامعه سوسیالیستی، مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید لغو و به دارایی جمعی کل جامعه تبدیل می شود. انگیزه فعالیت تولیدی نه سود سرمایه دار بلکه پاسخگویی به نیازهای انسان در سازگاری با محیط زیست خواهد بود. در همین راستا يك خواست مهم در بیانیه ما وجود دارد که ما را از جریانات فعال در محیط زیست متفاوت می کند و آن رابطه فعالیتهایی که بر پایه سود افزایشی بنا شده با محیط زیست است. هر فعالیتی از این نوع که به آلودگی محیط زیست و تخریب آن منجر می شود باید متوقف شود و ممنوع اعلام گردد. من فکر نمی کنم در برنامه و بیانیه های هیچ





اعتراضات هفتگی مردم اراک برای هوای پاک

MEHR

Photo: M. Varvani Farahani

MEHR NEWS AGENCY

تظاهرات گسترده مردم زنجان در اعتراض به آلودگی هوا



FARS



صعود سراسری برای نجات کوه شاه کرمان

MEHR

Photo: Hamid Sadeghi

MEHR NEWS AGENCY



برای رعایت استانداردهای جهانی در حفظ محیط زیست تاکید کرد. اولین گام در سالم سازی محیط زیست و خنثی کردن ابعاد فاجعه بار و مهلکی که این مساله در ایران پیدا کرده است مقابله و مبارزه فعال با سیاستها مخرب جمهوری اسلامی و مجبور و ملزم کردن آن به رعایت موازن و استانداردهای جهانی است.

انترناسیونال: بنظر شما آیا می توان از جمهوری اسلامی توقع داشت که در پروژه های مختلف اقتصادی خود مسائل محیط زیستی را در نظر داشته باشد؟

کاظم نیکخواه: توقع که قطعاً نه. ولی مثل خیلی عرصه های دیگر میتوان این حکومت را مجبور کرد که یک سری استانداردهای محیط زیستی را رعایت کند. در مورد همه عرصه

های مبارزه وقتی خواستها و اهداف مشخصی طرح میشود این سوال میتواند مطرح شود که آیا جمهوری اسلامی ممکن است مثلاً از اعداد کوتاه بیاید؟ از سنگسار کوتاه بیاید؟ دستمزدها را به بالای خط فقر برساند؟ حجاب اسلامی را کنار بگذارد؟ و امثال اینها. عین این سوال در مورد محیط زیست هم مطرح است. بحث ما مطلقاً توقع از جمهوری اسلامی و حتی از دولتهای دیگر نیست. بلکه بازکردن عرصه های مشخصی از مبارزه با اهداف مشخص و روشن است که بتواند مردم را به حرکت در بیاورد و به اعتراض متحد با خواستههای روشن و مشخص بکشانند. همین صورت مساله در مورد محیط زیست هم صادق است. اگر جنبش و حرکت گسترده ای راه بیفتد قطعاً میتوان جمهوری اسلامی را یک جاهایی عقب راند. لازمه این کار

اینست که جمهوری اسلامی در عمل متوجه شود که ما جدی هستیم و مردم کوتاه نمی آیند. جمهوری اسلامی باید ببیند که مردم آگاهی محیط زیستی دارند. و همه چیز را زیر نظر دارند و با سیاستهای ضد محیط زیستی این حکومت هم مثل سایر سیاستهایش مقابله میکنند. همین مدت وقتی دیدند که خشکاندن دریاچه ارومیه و زاینده رود و کارون برای حکومت هزینه بر میدارد، تلاش کردند که اصلاحاتی در پروژه های اقتصادی خود ایجاد کنند. در مورد هوای آلوده تهران و اهواز هم اقداماتی را در دستور گذاشتند و کمیسیون هایی ایجاد کردند و برنامه ریزیهایی کردند. که گرچه همانگونه که انتظار میرفت نتیجه محسوسی نداشته است، اما بالاخره معلوم است که حکومت از مردم حساب میبرد. این خود به

تغییر توازن قوا میان مردم و حکومت هم کمک میکند. روشن است که اگر بخواهیم تحولی جدی در روند فاجعه بار تخریب محیط زیست و آب و هوا در ایران صورت گیرد، باید تلاش کنیم جمهوری اسلامی را کلاً از سر راه برداریم یعنی سرنگون کنیم. و برای خود این هم مردم باید در مبارزات مشخصی متحد و هم نظر شوند و توازن قوا را روز بروز به نفع خود تغییر دهند. بهرحال مساله محیط زیست یک مساله سیاسی و یک عرصه مبارزه ما علیه جمهوری اسلامی است. تازمانی که این حکومت بر سر پاست قطعاً ما ناچاریم با این حکومت بجنگیم تا جلوی نابودی بی مهار طبیعت و محیط زندگی را بگیریم.

انترناسیونال: کشور ایران از ظرفیت عظیمی برای استفاده از انرژی خورشیدی و انرژی باد

برخوردار است. نظر شما در باره استفاده از این منابع انرژی در مقابل استفاده از سوخت های فسیلی و انرژی هسته ای چیست؟

حسن صالحی: ما در این سند به موضع حزب کمونیست کارگری ایران در زمینه چگونگی تامین منابع انرژی برای جامعه ایران نپرداخته ایم. به نظر من این بحث جداگانه ایی است و جا دارد که حزب در وقت مقتضی در این مورد بطور صریح نظرش را بیان دارد. با این حال فکر نمی کنم که کسی در حزب کمونیست کارگری ایران باشد و نسبت به سیاست کاهش استفاده از سوخت های فسیلی با توجه به آلاینده های خطرناک ناشی از استفاده از این نوع سوخت مخالفتی داشته باشد. مشکل اصلی ما در ایران استفاده از سوختهای فسیلی نیست بلکه





بدور بیاندازد و يك کامپیوتر تازه بخرد. در مورد دیگر وسائل الکترونيك و اتومبيلها و وسائل برقی و لباس و بسیاری از محصولات دیگر هم عینا همین امر صادق است. تا آنجا که به مسله پوشاک (و وسائل آرایش و جواهرات و نظایر آن) مربوط میشود شان نزول تغییر مد و برش و رنگ کفش و لباس در هر فصل و هر سال چیزی بجز این نیست که برای کالاهائی که خریداران واقعا نیازی به آنها ندارند بازار فروش خلق کنند. این تولید انبوه کالاها که صرفا با هدف سود آوری - و نه رفع نیازها- صورت میگيرد از یکسو به معنی هدر دادن منابع و معادن طبیعی است که میتواندست در خدمت نیازهای واقعی جامعه بکار گرفته بشود و از سوی دیگر بمعنی تولید حجم عظیمی از مواد زائد است که هر ساله به

موسسات تحقیقی و کارشناسی شان اعلام میکنند "بدلایل اقتصادی" نمیتوان انرژی فسیلی را با انرژی خورشیدی جانشین کرد و منظورشان از دلایل اقتصادی بسادگی اینست که برای سرمایه دار صرف نمیکند! اگر تولید در خدمت رفع نیازهای جامعه، و نه سودافزائی، صورت میگيرفت مساله آلودگی هوا براحتی میتوانست حل بشود و یا لااقل تا حد زیادی تخفیف پیدا کند و مهار بشود.

نمونه دیگر مساله مواد زائد و بازیافت محصولات (recycle and waste management) است. هر روز میلیونها تن کالاهای هنوز قابل استفاده بدور ریخته میشود. از کامپیوتر و تلفنهای همراه و دیگر وسائل الکترونيکی تا اتومبیل و وسائل خانه و کفش و لباس از مد افتاده. بخش عمده ای از این کالاها حداکثر با تغییرات و تعمیرات مختصری قابل استفاده اند. آنچه مانع این امر میشود باز سودآوری سرمایه است. باید "نیاز به مصرف" تولید کنند و هر چه بیشتر کالا بفروشند. خریدار را ناگزیر میکنند که کامپیوتری که براحتی با عوض کردن بخش کوچکی از سخت افزار و یا نرم افزارش میتوان به روز کرد را کلا

گريبانگير بشریت امروز مساله ای طبقاتی است. هر نوع برخوردی که از طبیعت يك ارزش درخود میسازد، مساله واقعی- یعنی جوهر طبقاتی تخریب و الودگی محیط زیست را لوث میکند و از نظر پنهان میدارد. و از این نقطه نظر حتی به هدف ادعائی خودش یعنی پاسداری از طبیعت نیز نمیتواند برسد. برای روشن شدن موضوع اجازه بدهید چند مثال بزنم.

آلودگی هوا يك مساله جهانی است و يك عامل موثر در این امر پخش گازهای سمی بوسیله خودروها و کلا وسائل حمل و نقل خصوصی و عمومی و همچنین کارخانجات و ماشین آلات صنعتی است. اما ریشه مساله استفاده از وسائل نقلیه و یا تولید صنعتی نیست. بدون صنعت و بدون حمل و نقل موتوری تمدن و رفاه بشری نمیتوانست به سطح امروز برسد. ریشه مساله استفاده از سوختههای فسیلی است که از نظر فنی و عملی میتوان با انرژی خورشیدی جانشین بشود. تکنولوژی استفاده از انرژی خورشیدی مدتهاست وجود دارد اما اگر وسیعا بکار گرفته نمیشود به این دلیل است که سودآور نیست! به این دلیل است که صرف نمیکند. طبقه حاکم و دولتها و

نوع انسان نیز استفاده از طبیعت نقش تعیین کننده ای داشته است و هنوز هم چنین است.

بنابراین بر خلاف نظر بعضی از نیروهای افراطی در جنبش گرین ها و طرفداران محیط زیست، نفس طبیعت و دست نبردن به طبیعت را نباید امری در خود و مقدس دانست. طبیعت و محیط زیست بخاطر حفظ و تعالی انسان و جامعه انسانی ارزش و اهمیت دارد و نه برعکس. من فکر میکنم اصولا نمیتوان انسان و سیر تکاملی زندگی و جوامع انسانی را از محیط زیست جدا کرد. تعامل

بین انسان و طبیعت و تغییر طبیعت بوسیله انسان و در خدمت رفع نیازهای انسانی همانقدر طبیعی و ضروری است که وجود و بقای جنگلها و رودخانه ها و کوهها و دریاها و دیگر پدیده های طبیعی. به نظر من مساله تخریب محیط زیست زائیده زندگی بشری و دخالتگرهای بشر در طبیعت نیست بلکه ناشی از سلطه طبقات حاکم - در عصر ما طبقه سرمایه دار- بر جامعه و طبیعت و استثمار هر دو بمنظور سودآوری است. به این معنی مساله محیط زیست نه يك پدیده صرف طبیعی است و نه يك مساله مربوط به زندگی اجتماعی انسان، بلکه مانند دیگر مسائل و مشکلات

فسیل الله هائی هستند که بر مسند قدرت تکیه زده اند و جیب گشادشان را با تاراج و به یغما بردن منابع طبیعی پر می کنند و حتی حاضر نیستند کوچکترین موازین و مقررات استاندارد زیست محیطی را رعایت کنند. وگرنه به نظر من جامعه انسانی باید به طرف کاهش استفاده از سوخت های فسیلی برود و همانطور که شما گفتید از انرژی های جایگزین نظیر انرژی خورشیدی و انرژی باد و بيوگاز استفاده کند.

انترناسیونال: طبیعت و محیط زیست تحت تاثیر زندگی اجتماعی انسان بوده. شهر نشینی و پیشرفت تمدن همراه با تخریب محیط زیست و تغییر در آن بوده است. به نظر شما رابطه زندگی انسان با طبیعت و محیط زیست طبیعی خودش چگونه باید باشد؟

حمید تقوایی: رابطه متقابل انسان و طبیعت را نمیتوان تخریب نامید. انسان برای بقای خود نیازمند تعامل با طبیعت است. نیازمند استفاده از منابع، انرژی و مواد طبیعی برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی خود است. نه تنها در سیر تکامل جوامع بشری، بلکه در روند تکامل فیزیولوژیک

بخش دیگر سؤال شما اینست که رابطه انسان با محیط زیست چگونه باید باشد. وقتی اساس این رابطه را از سود به رفع نیاز انسانها تغییر بدیم آنگاه جواب این سؤال هم روشن میشود. حفظ محیط زیست و آب و هوای پاک و جنگلها و معادن و حیات وحش و غیره يك نیاز و ضرورت واقعی برای ادامه زندگی بشر امروز و نسلهای آتی است. آینده نگری سرمایه دار از يك دور گردش سرمایه اش فراتر نمیرود. همانطور که دولتهای سرمایه داری حاضرند برای حفظ سلطه سیاسی و اقتصادی خود دنیا را به کام

جنگهای خانمانسوز فرو ببرند هر سرمایه دار منفرد نیز حاضر است برای تامین سود و شکست رقیبانش زندگی نسلهای بشری را به تباهی بکشد. همین امروز انکار مساله گلوبال وارمینگ از سوی جمهوریخواهان آمریکا و صاحبان بزرگان و کارشناسان جناح راست بورژوازی در سراسر دنیا يك نمونه بارز و عریان فداکردن همه چیز در خدمت سود و سودآوری است.

تنها با خلع ید سیاسی و اقتصادی از سرمایه داری میتوان منافع و خواستهای نه تنها بشریت امروز بلکه نسلهای آتی بشری - و در نتیجه حفظ و پاسداری از محیط زیست- را در محور تولید اجتماعی قرار داد.

تا آنجا که به جمهوری اسلامی مربوط میشود همانطور که اشاره کردم مساله بسیار وخیم تر و فجیع تر از کشورهای دیگر است. سود آوری به هر قیمت را در چپاول معادن و جنگلها و کلا فساد و دزدی و باندبازی و رانت خوری و بقول خودشان "گاسبی تحریم" مقامات جمهوری اسلامی ضرب کیند تا عمق فاجعه ای که در ایران در جریان است روشن بشود. راست ترین و محافظه کار ترین مقامات غربی در مقایسه با آیت الله های میلیارد در حاکم بر ایران فرشته های حفظ محیط زیست به نظر میرسند!

انترناسیونال: در بیانیه تاکید شده است که "همه اقدامات و برنامه هایی که بخاطر منافع سودجویانه سرمایه داران منجر به تخریب و یا آلودگی محیط زیست شود باید فوراً متوقف شود". اما در جمهوری اسلامی پروژه هایی انجام میشود بدون اینکه مستقیماً ربطی به این مسئله داشته باشد، نظیر پوشاندن سطح وسیعی از سواحل دریاها با زباله، مین گذاری مناطق مختلف و... تفکر و سیاست اسلامی در این میان چه نقشی بازی می کند؟

کاظم نیکخواه: اول بگویم که تاکید این بند روی مساله سود است. و این یکی از شاخص ترین بندهای این بیانیه است. این بند

میخواهد بسادگی این را بگوید که تخریب محیط زیست به دلیل سود ممنوع است. ما در این بند به چیز دیگری نمیخواستیم پردازیم. میخواستیم يك دلیل و بهانه پایه ای نابودسازی جنگلها و آب و هوا و کلا طبیعت را بدون هیچ ابهام و شرط و شروطی از ریشه بزیم. اگر يك دولت یا يك سرمایه دار یا کارخانه دار پروژه هایی در دست دارد که هوا را آلوده میکند و جنگلها را نابود میکند و آب و رودها را میخشکاند و توضیحش اینست که برای سودآوری کارخانجات مهم است، این را ما نمی پذیریم. و مبارزه میکنیم که این به قانون تبدیل شود یعنی دولت ها باید قانونا این را ممنوع اعلام کنند. این در زمینه محیط زیست يك خط فاصل اساسی ما به همه جریانانات بورژوازی و غیر سوسیالیست است. همین الان در گوشه و کنار جهان بخش اعظم این تخریبهای محیط زیستی با انگیزه افزایش سود صورت میگیرند. حتی همان نمونه هایی که شما اشاره کردید مثل روانه کردن زباله و آب آلوده به سوی دریاها اساساً از سودجویی ناشی میشود. و گرنه میشد با يك سرمایه گذاری ساده جلوی آنرا گرفت. اگر قانون میگفت که کارخانه هایی که دریاها را آلوده میکنند را یا باید به حد استاندارد محیط زیستی اصلاح کرد یا تعطیل نمود، دیگر این اتفاق نمی افتاد. راستش اگر این نقش فاکتور سود در نابودی محیط زیست را بشر بتواند جلوی او را بگیرد، بقیه مساله حل است. سود جویی عامل اصلی بخش اعظم تخریبهای فاجعه آمیز محیط زیستی در دنیای کنونی است. روشن است که هر سرمایه دار منفردی قاعدتاً نگران مساله محیط زیست و آینده نسل خویش هم هست و نگرانی و صدای اینها هم بعضاً شنیده میشود. اما کارکرد این سیستم بر اساس این نگرانی ها پیش نمیرود. بلکه سودجویی و رقابت برای سود بیشتر است که کل عملکرد این نظام را هدایت میکند. اینکه نتیجه بدی این سودجویی ها چه میشود برایشان مهم نیست.

آن جنبه های دیگری که اشاره کرده اید مثل مین گذاری و امثال اینها به سیاستهای نظامی مربوط میشوند و بیش از آنکه جنبه محیط زیستیش برجسته باشد جنبه جنایتکارانه و ضد انسانیست مهم است. مین همانقدر محیط زیست را آلوده میکند که کمابیش توپ و باروت و ترقه و امثال آنها. اما يك سلاح بشدت ضد انسانی و جنایتکارانه است که باید در همه جای جهان ممنوع شود. حزب ما در برنامه و سیاستهای خیلی روشن با سلاحهای کشتار جمعی و سیاستهای نظامی و کشتارگری دولتها مخالفتش را اعلام کرده است. بهرحال در بیانیه هم بندهایی هست که این ها را هم میپوشاند. برای نمونه در بند ۶ گفته شده است که هر نوع پروژه و طرحی که به محیط زیست و سلامتی مردم آسیب میرساند باید فوراً متوقف شود. این يك بند مهم است. چونکه فردا ممکن است فاکتورها و عوامل جدیدتری شروع به تخریب محیط زیست کنند که امروز شناخته شده نیستند یا وجود ندارند. در بند ۴ بیانیه از جمله اینطور آمده "در عین حال دولت موظف است در همه عرصه های مختلف تولید و صنعت، کشاورزی، سد سازی، خانه سازی، ترافیک، احداث جاده و غیره اولویت های زیست محیطی را رعایت کند... الی آخر" و بعد در بند ۹ در رابطه با طرح های نظامی که منابع آبرآلوده میکنند اینطور آمده "توقف همه طرح ها و پروژه پروژه های نظامی که منابع آب را در کشور تهدید می کنند". بندهای دیگری هم هست که هرکدام از جنبه ای مسائل اصلی محیط زیستی را پوشش میدهد.

اینکه پرسیده اید تفکر و سیاست اسلامی مشخصاً تا چه حد در تخریب محیط زیست توسط جمهوری اسلامی موثر است، خیلی روشن نیست. بهرحال این حکومت معجونی از اسلام و سرمایه داری است. و در نتیجه بدترین معجونی است که میتواند در جامعه بشری وجود داشته باشد. نگاه به اسلام از سر محیط زیست خیلی از سر این مکتب زیادی است. این مکتبی است ضد

عمل و ضد انسان و مدافع جنگ و خون و قتل و مرگ و عزا که دشمن نفس زندگی و بشریت و علم و طبیعت است. ترکیب اسلام و سرمایه داری تجربه نشان داده است که برای طبیعت هم بسیار فاجعه آمیز است. برای اینها مشیت الهی توضیح دهنده سیل و زلزله و طوفان و خشکسالی و قحطی و مرگ و میرهای وسیع مردم و تمام فجایع محیط زیستی است و در نتیجه همانطور که با بیرحمی مردم را کشتار میکنند، عملاً با دست و دل بازی دست به نابودی طبیعت هم میزنند و نگرانی از اینکه کره زمین غیرقابل زیست بشود ندارند. چون خدا بزرگ است!

انترناسیونال: چرا در بیانیه به محیط های کاری نظیر بسیاری از کارخانه ها، معادن که خطرناک ترین اماکن محیط زیستی بشمار می روند و بخش بزرگی از کارگران هر روز چندین ساعت در معرض انواع مختلف آلاینده های خطرناک هستند، اشاره ای نشده است؟

حسن صالحی: حیطه ای که شما بدان اشاره می کنید به ایمنی و بهداشت محیط کار بر می گردد و به بحث محیط زیست در این سطحی که ما در این بیانیه بدان پرداخته ایم چندان مربوط نیست. وگرنه حزب کمونیست کارگری ایران در برنامه يك دنیای بهتر خواستها و مطالبات روشنی در این زمینه دارد. ما از جمله خواهان تضمین ایمنی و بهداشت محیط کار و تقلیل مخاطرات کار به حداقل ممکن، بدون هیچ صرفه جویی، با استفاده از پیشرفته ترین تسهیلات و امکانات مورد استفاده در سطح جهان هستیم. ما منجمله خواهان نظارت و معاینه پزشکی منظم در برابر مخاطرات و بیماری های حرفه ای و ناشی از کار، توسط مراجع پزشکی مستقل از کارفرما، به هزینه کارفرمایان و دولت هستیم.

انترناسیونال: احیای منابع طبیعی که در سالهای اخیر نابود شده و یا صدمه خورده است نظیر دریاچه ارومیه، زاینده رود،

جنگلها و... ممکن است به قیمت تعطیل شدن کارخانه ها، صنایع کشاورزی و بوجود آمدن بیکاری شود، در این مورد چه باید کرد؟

حمید تقوایی: در يك سطح پایه ای پاسخ مشکلی که شما طرح میکنید خلاصی از شر سرمایه داری و تولید برای سود و جانشین کردن آن با تولید برای رفع نیازهای مردم است. بیکاری نیز، مانند مسائل زیست محیطی، زاده نظام تولیدی سرمایه داری است و نه تولید اجتماعی بشر بطور کلی.

تولید اجتماعی در هر نظامی به معنی تغییر مواد طبیعی به محصولاتی است که نیازهای انسان را برآورده کند. مواد خام، تکنولوژی تولید و نیروی کار سه مولفه عینی تولید اجتماعی در هر نظام اقتصادی ای هستند و در هیچ يك از این زمینه ها بشریت با کمبود و مزیقه ای روبرو نیست. امروزه سطح تکنولوژی تولید بجای رسیده است که با نیروی کار بخش کوچکی از جامعه میتوان سطح بالایی از رفاه را برای کل بشریت فراهم کرد. تنها به این شرط که اصل تولید برای سود را کنار بگذاریم. بعبارت دیگر مشکل بیکاری، عیناً مانند مساله آلودگی محیط زیست، و یا فقر و گرسنگی و شکاف فاحش میان ثروت اقلیت محدود حاکم و فقر اکثریت عظیم تولید کنندگان، مساله ای تماماً مربوط به مناسبات تولیدی است و نه شرایط عینی تولید اجتماعی. ریشه مساله در تولید برای سود است و بس!

کسانی که احیا و حفظ منابع طبیعی را موجب افزایش بیکاری میدانند در واقع وجود نظام سرمایه داری و اصل تولید برای سود را فرض میگیرند. این استدلال آشنائی است که در مبارزه برای افزایش دستمزد، خواست گسترش خدمات اجتماعی و کلا ارتقای شرایط کار و زندگی کارگران و توده زحمتکش مردم نیز در برابر ما میگذارند. میگویند این اقدامات موجب افزایش بیکاری خواهد شد و منظورشان



انترناسیونال: جنبش دفاع از محیط زیست و اعتراض به جمهوری اسلامی در این مورد در چه وضعیتی است و چه حرکت‌هایی در این زمینه وجود دارد؟

حسن صالحی: دامنه اعتراضات محیط زیستی در ایران بسیار گسترده و متنوع است. علت آنهم روشن است. چرا که وضع محیط زیست در ایران بحدی بحرانی است که زندگی میلیون‌ها انسان را به مخاطره انداخته است. در شهری مثل زنجان که یک میلیون جمعیت دارد و در اثر فعالیت‌های کارخانه‌های سرب و روی و دفع غیر بهداشتی بازمانده‌های سرب، مردم شهرهای بشدت آلوده‌ای را تنفس می‌کنند طبیعی است که بصورت آن تظاهرات گسترده خیابانی در مرداد ماه سال ۱۳۹۲ به خیابان بیابند و اعلام کنند که می‌خواهیم زنده بمانیم! نمونه زنجان یکی از بیسابقه‌ترین اعتراضات زیست محیطی به لحاظ گستردگی و مشارکت مردم در طول سال‌های گذشته بوده است. اراک نمونه دیگری است که گروه‌هایی از مردم طی ۱۸ هفته

دولتها ناشی می‌شود. جدا از تخریبی که جنگ‌ها ایجاد می‌کنند، آزمایشات انفجاری، نابود کردن جنگل‌ها به دلایل استراتژیک، آلوده سازی محیط زیست با سموم کشنده، از بین بردن حیات در دریاها و اقیانوسها با پروژه‌ها و انفجارات هرروزه، تولید امواج قدرتمند پارازیت و رادیو اکتیو و امثال اینها، انتشار گازها و سموم بسیار مهلك در تولیدات نظامی و بسیاری اقدامات فاجعه آمیز دیگر. اگر به تولیدات اتمی و سلاحهای اتمی بپردازیم که اصلا مضرات و زیانهای آن قابل محاسبه نیست. جریانی که بخواهد بطور جدی با فاجعه محیط زیستی در دنیای امروز مقابله کند باید عرصه اصلی کارش را مقابله با حرص و ولع سود اندوزی و همچنین سیاستهای نظامی قرار دهد. اگر این دورا قلم بگیرد دیگر هیچ چیز باقی نمی‌ماند که کار جدی‌ای را در دستور شما قرار دهد. و این دقیقا مشکل جریان‌های ناسیونالیست و بورژوازی و راست در زمینه محیط زیست هم هست. این مشکل اصلی آنهاست.

آمده اساس نابود سازی محیط زیست به سودجویی صاحبان سرمایه‌ها مربوط می‌شود و به همین دلیل جریان‌ها و سازمانهای بورژوازی وقتی هم که در مورد محیط زیست حرف می‌زنند چیز چندانی برای گفتن ندارند یا راه حل اساسی‌ای ندارند. پروژه‌ها و طرحهایی می‌دهند که بهبودهایی ممکن است بدهد اما ریشه مرض را نمیتواند ببینند. این مشکل همه جریان‌های بورژوازی است. در مورد سیاستهای نظامی این جریان‌ها مشکل جدی‌تری دارند. برای نمونه اگر دقت کنید طی چند سال اخیر جریان‌های بورژوازی با سمپاتی به سیاستهای اتمی جمهوری اسلامی برخورد کرده‌اند و آنرا باعث قدرتمندی ایران عزیزشان قلمداد کرده‌اند. کلا ارتش و سیاستهای نظامی یک پای اصلی ناسیونالیسم و وطن پرستی و خط ایدئولوژیک اینهاست به همین دلیل معمولا در مورد سیاستهای نظامی ساکت می‌مانند تا به تریج قبای ارتش این چماق اصلی ناسیونالیسم لطمه‌ای وارد نشود. در صورتیکه بطور واقعی بخش مهمی از آسیبهای محیط زیستی از سیاستهای نظامی

دیگر کوچ کند. آنچه به تپاهی کشده می‌شود زندگی کارگران بی‌کار شده در این رشته است. تخریب منابع طبیعی نهایتا به معنی تخریب زندگی کارگران شاغل در رشته‌های تولیدی وابسته به آن منابع است.

بنابراین باید گفت حتی در چارچوب سرمایه‌داری هم تخریب منابع طبیعی بی‌کاری وسیع‌تری را بدنبال خواهد داشت و برعکس احیا و حفظ این منابع و استفاده کنترل و مددیریت شده از آنها اشتغال مداوم در رشته‌های متکی بر آن منابع را تضمین خواهد کرد.

انترناسیونال: احزاب و نهادهای بورژوازی بطور کلی در نقد خود از سیاست‌های دولتها در مورد محیط زیست در مورد نقش پروژه‌های مختلف نظامی، در تخریب محیط زیست خاموش هستند. نظر شما در این باره چیست؟

کاظم نیکخواه: تا آنجا که به ایران مربوط می‌شود احزاب و نهادهای بورژوازی کلا در مورد محیط زیست تا حد زیادی ساکت بوده‌اند و چیزی نگفته‌اند. همانطور که در بیانیه دفتر سیاسی

اینست که موجب کاهش سود و در نتیجه به تعطیل کشیده شدن کارخانجات و نهایتا گسترش بی‌کاری خواهد شد. حلقه سود را که حذف کنید کل این استدلال دود می‌شود و بهوا می‌رود.

اما حتی در همین چارچوب سرمایه‌داری نیز ادعای "حفظ محیط زیست موجب بی‌کاری می‌شود" مایه‌ای ندارد. نابودی یا صدمه خوردن دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و جنگل‌ها خود بخشهای زیادی از منابع و مواد طبیعی - که پیش شرط تولید و اشتغال در رشته‌های تولیدی متکی به آن منابع و مواد خام معین است - را از بین می‌برد و در میان مدت و دراز مدت موجب بی‌کاری‌ای بمراتب وسیع‌تر از بی‌کاری ناشی از ممانعت از تخریب آنها می‌شود. استفاده سودجویانه و بی‌رویه از منابع طبیعی ممکن است در کوتاه مدت اشتغال ایجاد کند اما وقتی از آن منبع طبیعی اثری بجا نماند کل تولید در آن بخش متوقف می‌شود و بی‌کاری وسیعی را بدنبال می‌آورد. این برای سرمایه‌دار مساله‌ای نیست چون سرمایه‌میتواند به راحتی به بخشهای

این واقعیت باید مبنا و اساس خواستها و پلانفرمها و رویکرد و جهت گیری عمومی مبارزه برای حفظ محیط زیست قرار بگیرد.

نکته دیگر ضرورت شکل گیری نهادها و کمیته ها و کمپینها و بمیدان آمدن فعالین و چهره ها در عرصه مبارزه علیه آلودگی محیط زیست است. در این عرصه نیز مانند دیگر جنبشها و کمپینهای اعتراضی، فعالیت عملی و سازمانیابی نهادها و کمیته ها حول پلانفرمهای روشن و اعلام شده میتواند نقش موثری در ارتقا و تقویت مبارزات و اعتراضات ایفا کند.

و بالاخره باید بر نقش اینترنت و مدیای اجتماعی در شکلدهی به کمپینها و مبارزات اشاره کرد. روشن است که با ایجاد سایتها و بلاگها و صفحات فیسبوکی و تبادل نظر و اطلاعات و بخصوص جمع آوری امضا و طومار در ملیای اجتماعی - که يك نمونه موفق آن طومار اعتراض به اعدام ربخانه است - میتوان مبارزه برای حفظ محیط زیست را به يك امر سراسری و بسیج کننده در کل جامعه تبدیل کرد. مدیای اجتماعی بویژه میتوانند به این مبارزه ابعادی جهانی بدهد و اعتراضات در داخل و خارج کشور را بیکدیگر پیوند بزنند.

اینها از نظر من مهمترین مولفه های تقویت و پیشرویهای بیشتر جنبش مقابله با تخریب و آلودگی محیط زیست در ایران است. حزب ما با تمام توان و امکانات خود میکوشد به مبارزات جاری در عرصه محیط زیست یاری برساند و در شکلدهی و سازماندهی و ارتقای این مبارزات بر محورهایی که در بالا توضیح دادم نقش موثری ایفا کند.



حمید تقوایی: اعتراضات جاری نشان میدهد که برای تعرض به جمهوری اسلامی در عرصه حفظ محیط زیست شرایط و پتانسیل بالائی در جامعه وجود دارد.

اولین نکته برای ارتقا و تقویت این مبارزات اعلام خواستهای روشن و مشخص در راستای جلوگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست و ارتقای شرایط زیست محیطی است. بویژه مساله آلودگی آب و هوا در ایران که برای بخش وسیعی از مردم به يك امر حیاتی و به يك مساله مرگ و زندگی تبدیل شده است باید بعنوان يك امر عاجل و فوری در راس خواستها و پلانفرمهای تعرضی مردم قرار بگیرد. از این زاویه مساله محیط زیست در ایران تنها مساله مربوط به طبیعت و یا حتی نسلهای آتی نیست، بلکه مساله هستی و بقای میلیونها مردمی است که همین امروز زندگیشان در معرض نابودی قرار گرفته است.

بی سابقه ثمر داشت و رژیم ناچار شد که فعالیتهاى معدنی در دومین قله مرتفع کرمان را حداقل بطور موقت تعطیل کند. بعلاوه لازم است اشاره کنیم که در ایران هزاران انجمن، سازمان و نهاد مردمی مدافع محیط زیست وجود دارد که به مناسبتهای مختلف عرض اندان می کنند و فعال هستند. یکی از نمونه های این فعالیتها اعتراض دهها انجمن محیط زیستی نسبت به طرح انحلال سازمان حفاظت محیط زیست بود که ضمن آن به انحاء مختلف به این تصمیم اعتراض کردند. بعلاوه يك سنتی که دارد هر چه بیشتر جا می افتد تشکیل نشست های اعتراضی علیه آلودگی محیط زیست است. بعنوان مثال می توان به نشست اعتراضی با عنوان "گردهمایی شهروندان در اعتراض به آلودگی هوا" که در بهمن ۱۳۹۲ در تهران برگزار شد اشاره نمود. در این همایش کنشگران مدنی و هنرمندان و نویسندگان شرکت داشتند و در باره محیط زیست به ایراد سخنرانی پرداختند.

انترناسیونال: شما چه راههایی برای دخالت و مبارزه مردم برای حفظ محیط زیست و تعرض به جمهوری اسلامی پیشنهاد می کنید؟

"جنگل ابر" در شمال ایران در تیر ماه سال ۱۳۹۱ بود که با برگزاری تجمعی در مقابل فرمانداری شاهرود همراه بود. مردم صراحتاً اعلام کردند که هدف از این جاده سازی تامین منافع زمین خواران و مافیای چوب به قیمت نابود کردن هزاران درخت و ۱۰۰ هکتار از جنگلها و برهم خوردن تعادل اکولوژیک منطقه است. بعلاوه اتفاقی که در زنجان در اعتراض به فعالیتهاى کارخانه های سرب روی داد يك واقعه تك افتاده نبود. در اسفند ماه سال ۱۳۹۲ مردم روستای اسفندان و اهالی اطراف کارخانه آرین سینا در جاده فرجآباد ساری نسبت به آلودگی زیست محیطی این کارخانه و خطراتی که متوجه ساکنین این منطقه می کند در مقابل این کارخانه دست به اعتراض زدند. با اینکه طبق ارزیابی های موجود گازهای ساطع ناشی از فعالیتهاى این کارخانه ۱۰ هزار برابر خطرناک تر از سم سیانور است ولی این کارخانه همچنان به کار خود ادامه می دهد. و بالاخره خوب است به حرکت نمادین و پر قدرت هزاران نفر از کوهنوردان سراسر کشور اشاره ای داشته باشیم که در شهریور ماه سال ۱۳۹۲ با تشکیل زنجیره انسانی به طول ۳ کیلومتر به منظور جلوگیری از تخریب زیست محیطی "کوه شاه" در کرمان به این کوهستان صعود کردند. این حرکت

متوالی در سال ۱۳۹۲ (هر هفته روز های شنبه) در اعتراض به آلودگی هوای در میدان مرکزی شهر با در دست داشتن شعارهایی نظیر "ارک نفس می خواهد" دست به تجمع می زدند. از سوی دیگر باید به اعتراضات متعدد مردم در جنوب کشور در اعتراض به انتقال آب کارون به مرکز به خاطر طرح های انرژی هسته ای رژیم اشاره کنیم که منجمده در ساحل کارون در شهر اهواز به ایجاد زنجیره انسانی دست زدند. جا دارد همینجا به اعتراضات گسترده مردمی در ارومیه و تبریز علیه خشک شدن دریاچه ارومیه و سیاستهای جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۱ اشاره کنیم که با واکنش نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی روبرو شد. اینها نمونه های برجسته اعتراضات محیط زیستی در ایران هستند ولی شمولیت اعتراضات از اینها بسیار بیشتر است. مثلاً می توان به حرکت مردمی در اعتراض به روند روزافزون کشتار حیات وحش در مقابل سازمان حفاظت محیط زیست در دیماه سال ۱۳۹۲ در تهران اشاره کرد. و یا مثلاً از اعتراض مردم به طرح تخریب باغ گیاهشناسی نوشهر در تیر ۱۳۹۲ و یا اعتراض اخیر مردم کرج علیه سیاستهای ضد محیط زیستی رژیم در قطع درختان سیب این شهر نمونه آورد. يك مورد بسیار جالب دیگر اعتراض علیه ساخت جاده در

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود